



جهان  
پیامها

وسیع مردم تماس میگیرد و با آنها در نقاط مختلف جهان امکان استفاده از يك برنامه را میدهد. برای مثال هر يك از نمایشنامه‌های مشهور در يك برنامه تلویزیونی بیش از همه دورتهای گذشته پهنده داشته است یا مثلا میلیونها نفر در آن واحد شاهد رسیدن انسان به ماه بوده‌اند.

تحول بزرگی که وسائل ارتباط جمعی (کتاب و مطبوعات، رادیو، تلویزیون، فیلم) به وجود آورده امکان انتقال فرهنگ نخبگان به همه گروههای اجتماعی و همگانی کردن آنست.

پیشرفتهای علمی و فنی دو انقلاب صنعتی گذشته در زمینه ارتباطات منجر به تغییراتی میشود و فاصله زیادی بین کشورهای صنعتی و سایر کشورها ایجاد میکند، بطوریکه درك پیام‌های آن جوامع برای این کشورها مشکل میشود و تفسیراتی را که طی قرون به آن رسیده‌اند سایر کشورها یکجا دریافت میکنند. آشفتگی نظام ارزش‌ها در جوامع غیر صنعتی ناشی از همین شکل رابطه است.

تمدن جدید را بعضی از جامعه‌شناسان «تمدن تصویر» نامیده‌اند زیرا در این تمدن از تصویربیش از هر وسیله ارتباطی استفاده میشود و این نوع زندگی ایجاب میکند که انسان بیش از هر زمان به حواس ادراکی خود نیاز داشته باشد و در پرورش آنها بکوشد.

پیشرفت فن و آغاز دوران سومین انقلاب صنعتی شکل ارتباطی جدیدی بوجود می‌آورد

جهانی که انسان در آن زندگی میکند جهان پیام‌ها است. زمان درازی جوامع انسانی با یکدیگر ارتباط زیادی نداشتند و عناصر فرهنگی يك جامعه یعنی پیامهای آن جامعه از طریق تصرف نظامی سرزمینی جدید و یا تجارت و یا مهاجرت به جوامع دیگر میرسید. طرز زندگی هر گروه برای دیگری عجیب می نمود و هر جامعه دیگر را با ضوابط خود مقایسه کرده می‌سنجید. در واقع مرزهای قراردادی جوامع هیچگاه مانعی برای عبور و انتقال این پیام‌ها نبوده بلکه بسان آستانه گذرگاههایی بوده‌اند که پیام، هنگام عبور از آنها تغییر شکل میداده و در قالبهای فرهنگی مختلف، تعبیر گوناگون می‌یافته است.

ارتباط بین گروهها و جوامع از زمان اختراع خط تا پانصدسال قبل، از فرد به فرد و از راه ارتباط شفاهی یا مکتوب بوده است. اختراع چاپ و تهیه کتاب هر چند محدود بوده و اشاعه آن به کندی انجام میگرفته شکل نفوذ عوامل فرهنگی يك جامعه در دیگری را قویا محدودی عوض کرده است و دو سه قرن بعد بر اثر تحقیقات پی‌گیر برای رسیدن به وسایل ارتباطی کاملتر، تلگراف، تلفن، وسیله ضبط صدا و عکس پیدا میشود و چند سال بعد رادیو ساخته میشود و طی نیم قرن امکانات ارتباطی بسر چندین برابر.

اختراع تلویزیون تحول عظیمی در شکل ارتباطی بوجود می‌آورد زیرا تلویزیون تصویر و صوت را با هم يك جادارد و در آن واحد باتوده‌های

حتی شرائط جسمانی و بدنی آنها را تغییر داده است امکان ندارد. واسطه این برخورد ، وسائل ارتباط جمعی است که فرهنگهای ملتها را باهم آمیخته و از تکوین فرهنگ اختلاطی جدیدی خبر میدهد .

انسانها از کهن ترین دوران ، افکارشان را به یکدیگر منتقل کرده اند و بدینسان ، انتقال اندیشه به دیگران ، شکل گرفتن و تداوم فرهنگ را ممکن ساخته و تضمین کرده است .

پیامهایی که واسطه ارتباطات جامعه است محدود به ارتباطات زبان شفاهی نیست بلکه سلسله قوانینی که «قوانین ارتباطی» نام گرفته فرهنگ را شکل بخشیده و انتقال پیام و ارتباط افراد دارای فرهنگ مشترک را آسانتر کرده است .

بنظر انسان شناسان ، جوامع برای ادامه زندگی ناچارند با یکدیگر در ارتباط باشند . مبادلات گوناگون وسیله برقراری این ارتباط بوده و در هر جامعه بشکل خاصی ظاهر میشود و قوانینی دارد که ضامن بقای روابط است . برای مثال **لوی استراوس** معتقد است که منظور از رسم منع زنا با محارم بیش از آنکه تحدید روابط بین محارم باشد تشویق گروهها به مبادله دختران و زنان (و در بعضی موارد مردان) برای برقراری روابط متقابل است . بنظر همین انسان شناس ، روابط متقابل در یک جامعه یا بین جوامع از راه سه نوع مبادله انجام میشود: مبادله کالا که روابط اقتصادی جامعه است ، مبادله زنان (رسم دختر دادن و دختر گرفتن که چگونگی آن در هر جامعه بر حسب فرهنگ جامعه فرق میکند) که زبان خویشاوندی است و مبادلات فکری که بیشتر توسط زبان شفاهی انجام میگردد .

که بکلی با گذشته فرق دارد ، زیرا در این تمدن ماشینی به دو صورت ظاهر میشود . یکی برای تکمیل وسائل ارتباطی که رابطه بین افراد را سریعتر و ساده تر کند و دیگر ارتباط انسان با ماشین که در تاریخ ارتباطات انسان پیشاقله است . انسان بکمک ماشین از حدود و امکانات طبیعی خود فراتر میرود و قدرتهای الکترونیک را طوری بکار میگیرد که بازده آنها در نایبه به چند برابر میرسد . ماشین الکترونیک در نقش مخاطب انسان قادر است نه فقط بطور شفاهی یا کتبی آنها جواب سوال بکنفر را بدهد بلکه زمانی را که این فرد برای طرح سوال دوم بان نیاز دارد ، ماشین به پاسگویی به سوال دیگری میگذراند و از آن بیشتر گاه دو ماشین بگفتگو با یکدیگر میپردازند .

ماشینهای الکترونیک که در ابتدا فقط بکار محاسبات دقیق و مفصل میآمد از این بی وسیلهایی برای انتقال همه نوع اطلاعات وسیع خواهد بود زیرا به جمع آوری و مرتب کردن هر نوع اطلاعی خواهد پرداخت و نقش حافظه جمعی را خواهد داشت و جای کتاب مدون را خواهد گرفت زیرا در چند نایبه اطلاعات لازم را در اختیار افراد میگذارد .

جذب این تغییرات و هماهنگ شدن با آنها برای انسان جوامع صنعتی بسیار پیشرفته که به آسمان قدم گذاشته است آسانتر است تا سایر جوامع و حتی گروههایی از همان جامعه که در چند قدمی این انسان ، برای آموزش روح نیاکانشان و جلب حمایت ایشان هزاران نذر و نیازی کنند و همه بنیان زندگی خود را بر این اساس گذارده اند و همه کوشش آنها برای حفظ ارتباط با ارواحی است که در آسمان هستند .

اجتناب از برخورد این دو موجود که هر دورا انسان مینامیم در حالیکه تفاوت فرهنگشان

## چگونگی انتقال پیام

منظور از ارتباط ، تبادل پیامها در چهار  
جوب قراردادها است ؛ وهر انتقال فکری را که  
از مراحل خاصی بگذرد میتوان پیام ارتباطی  
دانست . فرستادن ، انتقال و دریافت پیام ،  
سه مرحله اساسی برای برقراری ارتباط است .  
و در مرحله اخیر یعنی دریافت پیام ، فقط  
پذیرش آن مورد نظر نیست بلکه واکنشی نیز  
درمقابل این دریافت وجود دارد و اساس رابطه  
بر تقابل است .

مجموعه وسائلی که در انتقال پیام و  
برقراری ارتباط بین دونفر به کار میآید عبارتست  
از اصوات و حرکات و رفتارها . به کلام دیگر افراد  
برای تبادل پیام غیر از زبان شفاهی از زبانهای  
دیگری نیز استفاده میکنند .

باینکه زبان يك اختراع فردی نیست و  
هرکس آنرا از گروه اجتماعی خود دریافت کرده  
و در قالب قراردادهای فرهنگ خود از آن برای  
برقراری ارتباط با دیگری استفاده میکند معینا  
احتمال اشتباه در تفسیر پیام از طرف گیرنده  
وجود دارد و گذشته از آن مقداری از مضمون  
هر پیام در حین انتقال از بین میرود .

علامتی که فرستنده پیام برای گیرنده آن  
میفرستد قابل دریافت نیست مگر اینکه مفاهیم  
رمز آنها در اختیار گیرنده باشد و فرستنده و  
گیرنده از فهرست علائم مشترکی برای برقراری  
ارتباط استفاده کنند .

چهار حالت در انتقال پیام بین فرستنده  
و گیرنده امکان دارد :

۱ - فهرست علائم فرستنده مفصلتر از  
فهرست علائم گیرنده باشد و در این صورت  
فقط قسمتی از پیام فرستاده شده دریافت  
میشود .

۲ - فهرست فرستنده محدودتر از فهرست  
گیرنده باشد و در این صورت قسمت اعظم پیام  
دریافت میشود .

۳ - فهرست فرستنده و گیرنده هیچ  
علامت مشترکی نداشته باشد و در این صورت  
پیام اصلا دریافت نمی شود .

۴ - تمامی فهرست گیرنده در فهرست  
فرستنده قرار گیرد .

زبانهایی که برای برقراری ارتباط به کار  
برده میشود گوناگون است مثل زبان شفاهی ،  
زبان کتبی ، زبان مخابره ، زبانهای که در علوم  
مختلف مثل ریاضیات و علوم تجربی از آنها  
استفاده میشود . از این میان زبان شفاهی  
عنیترین وسیله ارتباطی است .

هر زبان علائم و قواین خاصی دارد و  
بدون آن برای ارتباط ، لازم و اساسی است .  
مثل زبان بازیهاکه در آن هر حرکت برای جریف  
به منزله علامتی است بامعنای خاصی که او باید  
فوق آنرا دریافت کند تا بتواند قصد طرف  
مقابل را حدس زده خود را برای مقابله با آن  
آماده سازد . همه مراحل زندگی به همین بازی  
شبهت دارد و دور واقع زندگی چیزی جز قدرت  
پیش بینی آنچه دیگری میکند نیست زیرا شخص  
ضمن پیش بینی حرکات سایرین خط مشی خود  
و اساس روابطش را با جامعه نیز تعیین میکند .  
علائم وقتی معنایی پیدا کردند حاوی اطلاعی  
میشوند که با گذشته ارتباط داشته خبر از  
آینده میدهد و دارای ارزش پیشگوئی است  
یعنی ما را مدم میکند تا بر عمل عوامل را پیش بینی  
کرده از آنها احتراز جست و یا تعدیلشان کنیم .  
آگاهی که به این ترتیب در فرد ایجاد میشود  
پیش نگر ۲ و تا حدود زیادی دستوری ۲ است  
بدون اینکه قاطعیت زیاد داشته باشد . در عین  
حال علامت ، فقط وسیله انتقال پیام است ، برای




مثال ردپایی در روی زمین حاکی از عبور موجودی است بدون اینکه چیزی از وجود او را در خود داشته باشد.

زبان هنری و زیبایی از این نظر قدری با سایر زبانها متفاوت است و در بسیاری موارد، پیام با وسایل انتقال پیام یکی میشود زیرا اثر هنری در حدی که شخص گیرنده آنرا درک میکند برای او وجود دارد و لزوماً منظور فرستنده را منتقل نمیکند و غالباً کیفیت پیام به شکلهای مختلف انتقال آن وابسته است. یا به زبان دیگر، یک اثر هنری هر بار که وسیله شخص دریافت میشود از نو بوجود میآید. هستند کسانی که بعضی از آثار هنری را اصلاً درک نمیکنند. معنای این امر این نیست که اثری وجود ندارد بلکه رشته‌های ارتباطی بین دو طرف فرستنده و گیرنده گسیخته شده است و بدلیل

فقدان آن زبان مشترک بین آن دو است و بدان میماند که سیم تلفن هنگام صحبت دو نفر قطع شود و صدای یکدیگر را نشنوند. در چنین حالتی هم فرستنده و هم گیرنده وجود دارند ولی ارتباط قطع شده است.

یکی از جامعه‌شناسان علامه را به دوسته تقسیم میکند. نشانه‌ها و سمبل‌ها، وی نشانه‌ها را ناشی از رویدادهای مادی محیط میداند و سمبل‌ها را نشانه‌هایی که در عین حال از واقعیتی که بیان می‌کنند جدا نیستند. برای مثال دود آتش را نشانه وجود آتش میداند بدون اینکه چیزی از خود آتش داشته باشد، درحالی‌که کلمه آتش در عین اینکه نشانه‌ی آتش است به بدیده‌ی که بیان میکند وابسته بوده و از آن غیر قابل تفکیک است.



## وسایل انتقال پیام

ارتباطات اعم از شفاهی و غیر شفاهی از مجراهایی گذشته و به افراد منتقل میشود. از زمانیکه جوامع انسانی سازمانی یافته و اساس اقتصادی پیدا کرده است افراد با یکدیگر ارتباط متقابل برقرار کرده اند.

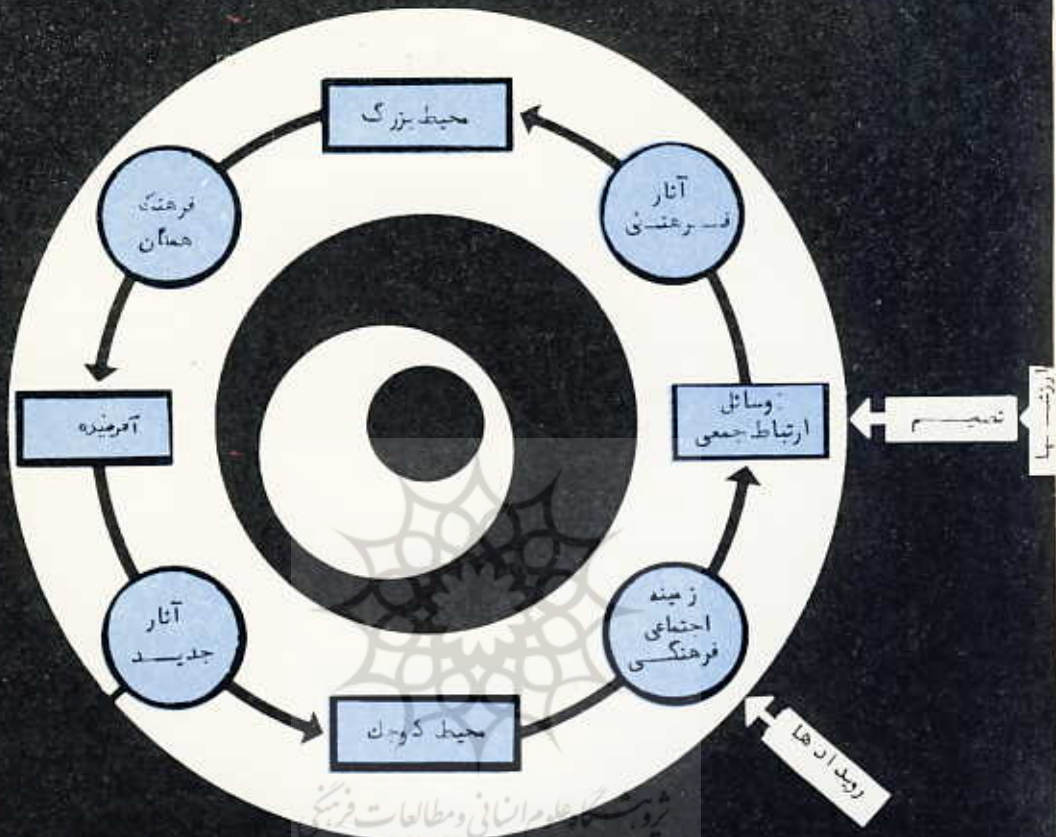
انسان از دیرباز غیر از مبادلات فکری خانوادگی و روزمره نیاز به آگاهی داشته تا او را در مقابل سرما و گرما و خطرات احتمالی حفظ کند. اشاعه اطلاعات و اخبار مورد نیاز در این جوامع مراتبی را طی نمیکرده است. پس از دریافت خبر جدید، رئیس یا مشاور پیر قبیله درباره آن تصمیم گرفته آنرا همراه بادستورهای لازم به سایرین ابلاغ نمیکرده است. «غیر از تصمیمات مربوط به وقایع غیر منتظره» مجموعه آداب و رسوم و اعتقادات تابع قوانینی بوده که تعلیم آنها از طرف والدین به اطفال و از جانب سالخوردگان به جوانان لازم بوده است. بنابراین میتوان برای دریافت خبر و اطلاع و اشاعه آن در جامعه ابتدائی سه مرحله قائل شد که بترتیب عبارتند از مراقبت برای دریافت خبر جدید، تعیین خط مشی بر اساس اخبار و تعلیم آنها. غیر از مبادلات روزمره که لازمه ادامه زندگی است ارتباطات بشکل های دیگر در قالب قوانین وجود دارد که موجب همگنی و عقاید و رفتارها میشود.

پایشرفت جوامع نه تنها سه مرحله اساسی انتقال اطلاعات دگرگون نشده بلکه کوششی نیز در جهت گسترش این مراحل به منظور حفظ اطلاعات و استفاده از آنها برای تسلط بر زمان و مکان انجام گرفته است. این کوشش در سیر تحول خود به صورتهای گوناگون درآمد و در هر دوران از وسایل ارتباطی خاصی استفاده شده

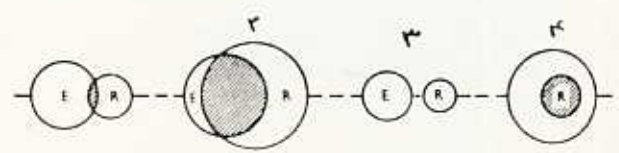
است. شکل تحول جوامع بشری، تبادل اطلاعات را پیچیده تر کرده و در بسیاری از موارد نهادها جای افراد را گرفته اند و ماشین وظیفه دیدن، شنیدن، صحبت کردن و نوشتن را به عهده گرفته تا جائیکه مراکز مخصوص تهیه و نشر اطلاعات و اخبار بوجود آمده که از نظرماهیت به دریافت خبر، تعیین خط مشی و هدایت میپردازد.

در این مرحله پیران قوم جای خود را به مسئولین اداری - سیاسی میدهند و تعالیمات نیز در چهارچوب نهادهای مختلف به همه گروه های سنی داده میشود. به این ترتیب وسایل طبیعی ارتباطی جوامع ابتدائی تدریجاً جای خود را به وسایل مصنوعی مثل مطبوعات، رادیو، تلویزیون و غیره که عامل انتقال صدا و تصویر است میدهند.

ارتباطات در اجتماع به چند شکل انجام میگیرد: ارتباط ممکنست در گروه کوچک بشکل شخصی و مستقیم، از فرد به فرد و از مجراهای ارتباطی که بین افراد دارای فرهنگ مشترک وجود دارد انجام گیرد و یا بین بیش از دو نفر باشد. مساجد، کلیساها، باشگاهها، انجمنها، میدانها، بازارها و بالاخره پرگوییهای زنان در کنار چشمه از مجاری اشاعه اخبار هستند و در این میان بازیگر اصلی آورنده خبر تازه است. و بالاخره ارتباط ممکنست در گروه بزرگ انجام گیرد. منظور از گروه بزرگ، اجتماع گروههای چند هزار نفری است که معمولاً گرداندگانی آنها را اداره میکنند مثل سخنرانیها، جشنها و مسابقات ورزشی. گفته یکی از جامعه شناسان، روابط در گروههای بزرگ، دیگر **چهره به چهره** نیست بلکه **شانه به شانه** است یعنی توده مردمی که در کنار یکدیگر (ونه رو در رو) قرار گرفته اند توجهشان به یکدیگر نیست بلکه متوجه رهبران گروه است.



پروپوزیون علم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی





## وسایل مصنوعی ارتباطی

پیدایی وسایل ارتباط جمعی ارتباطات مستقیم در گروه بزرگتر کمتر میکند و هیجانانگیز است. دستجمعی که از چند نفر به همه افراد گروه سرایت میکند تخفیف مییابد و جز هنگام بعضی از جشنها و نمایشها دیده نمیشود.

چگونگی اشاعه خبر در گروه بزرگتر و به کمک وسایل ارتباط جمعی در این شکل مشخص شده است:

برای مثال يك اثر هنری توسط هنرمندی به محیط كوچك (هنرمندان، منتقدین، کارگردانان) ارائه میشود. محیط كوچك در صورت تأیید، آن را با توجه به امکانات روز و زمینه فرهنگی عرضه میکند و در اختیار وسایل ارتباط جمعی قرار میدهد. تصمیم وسایل ارتباط جمعی برای اشاعه ارتباطی به ارزشهای موجود در جامعه دارد. در صورت تصمیم موافق، وسایل ارتباط جمعی بشناساندن اثر پرداخته و آنرا در اختیار محیط بزرگتر که عامه مردم باشد میگذارد. عکس العمل مردم ممکنست باعث جان گرفتن و باز بین رفتن پیام شود زیرا بدون مشارکت مردم يك جامعه، اثر هنری هر قدر هم که با ارزشی و بدیع باشد در آن جامعه جایی پیدا نمی کند. بنابراین اثر هنری اگر از طرف گروه زیادی پذیرفته شد جزء فرهنگ همگانی شده و این فرهنگ به نوبه خود مجدداً بر آفریننده اصلی اثر میگذارد.

با پیدایی وسایل ارتباط جمعی امطیوعات، کتاب، رادیو و تلویزیون اهمیت و نیاز به اجتماعات بزرگ کم میشود زیرا این وسایل در جوامع جدید مونس انسان میشوند و بسان میهمان ناخوانده بی خلوت ما را مختل میکنند و گردانندگانشان از آنچه میخواهند، با ما سخن

میگویند، چنانچه اگر چند روزی ساکت شوند مضطرب میشوند و خود را تك افتاده و تنها و محروم احساس میکنیم. انسان شهرنشین امروز نیاز دارد که در جریان همه اخبار و اتفاقات قرار گیرد تا پیوستگی خود را با جامعه احساس کند و آرامش یابد. فراوانی و پراکندگی اخبار و اطلاعات مختلفی که فرد در معرض آنها قرار میگیرد، باعث آشفتگی خاطر او میشود و در غالب موارد کار تفسیر را سخت میکند بخصوص که زبان وسایل تازه تر ارتباط جمعی - مثل رادیو و تلویزیون - برای نسل جوان بیش از سایرین قابل درک است و همین امر و وجود قابلیت انعطاف در جوانان برای جذب آنچه ارائه میشود فاصله بی از عدم تفاهم بین جوانان و نسل ماقبل از آنها بوجود میآورد.

**وسایل ارتباط جمعی که یکی از معایب آن یکسان و غیر فردی کردن عقاید و دانستهها است در شکل جدید فعالیت خود سعی دارند که با خواننده، یا شنونده یا بیننده خود ارتباط شخصی و مستقیم برقرار کنند و زبانی بکار برند که هر کس تصور کند مستقیماً و بطور فردی مورد خطاب قرار گرفته است. البته امروز، برخلاف گذشته تصور نمیرود که اثر وسایل ارتباط جمعی غیر قابل مقاومت باشد بلکه اثر آنها در جهتی است که خود مردم میخواهند و در صورتی موضوعات جدید را می پذیرند که هیچگونه پیش داوری نسبت به آنها نداشته باشند خاصه آنکه مردم به گروههایی تقسیم میشوند که هر يك هدف و آرمانهای خاص خود را دارد.**

در جوامعی که همه وسایل ارتباط جمعی بازگو کننده يك نوع طرز فکر است بازگشت و گرایش بسوی مجاری طبیعی اشاعه، مثل نطق و خطابه و اجتماعات كوچك پیش میآید و

شایعات بدون اینکه شواهدی درتائید آنها وجود داشته باشد، بیشتر مورد اعتماد مردم قرار میگیرد.

### شکل ارتباط در جوامع صنعتی

انقلاب صنعتی دوم که سبب مکانیزه شدن کشاورزی، پیدایی شهرهای بزرگ، تمرکز عظیم سرمایه‌ها، ازدیاد جمعیت فعال و توسعه خدمات و افزایش بیسابقه مصرف شده است نظام ارزش‌ها را بهم میریزد و انسان جدیدی میسازد. مسأله چگونگی گذران اوقات فراغت یا کم شدن ساعات کار در چنین نظامی مطرح میشود و انسان جامعه صنعتی که احساس تنهایی میکند میل به برقراری ارتباط با سایرین را بشدت احساس میکند و واکنش این میل پیش از هر عامل دیگری بر وسائل ارتباط جمعی اثر میگذارد و موجب پیشرفت و گسترش بیشتر آنها میگردد و این وسائل بنوبه خود بر تمدنی که بسوی فراغت میروند اثر کرده و جامعه انسانی را که در کار ماشینی خود هیچ‌نوع امکان آفرینندگی ندارد یاری میدهد تا استعدادهای خود را پرورش دهد.

فراغت را نباید با بیکاری اشتباه کرد و آنرا از استراحت نیز باید جدا دانست. معمولاً منظور از فراغت ساعاتی است که انسان از کار و تعهدات شغلی فارغ است و گذران این اوقات ناظر بر مجموعه اشتغالانی است که فرد بخواست خود برای سرگرمی یا افزایش آگاهی خود فراهم میآورد و داوطلبانه بشارکت در فعالیت‌هایی که بر رشد استعدادهایش کمک میکند میپردازد. بنابراین، فراغت استراحتی است که ضمن آن فعالیت شخص قطع نمی‌شود اما این فعالیت جنبه فوریت و اجبار نیز ندارد. نباید پنداشت که انسان در اوقات فراغت، عاطل و بیحاصل

است بلکه میتواند بیافریند یا از آفریده‌های دیگران استفاده کند.

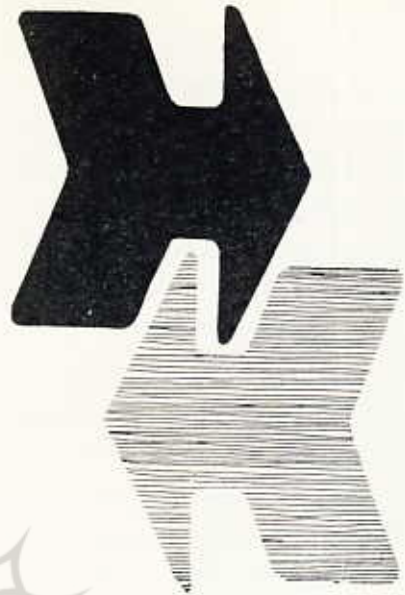
تا بحال وظیفه اصلی وسائل ارتباط جمعی سرگرم کردن مردم بوده است ولی امروز این وسائل در همه جا و بخصوص در کشورهای در حال توسعه جنبه آموزشی بخود گرفته و گردانندگان آن میکوشند ضمن تهیه برنامه‌های دلپذیر برای ساعات فراغت مردم، به جنبه آموزشی آن نیز توجه داشته باشند.

نحوه گذران اوقات فراغت بنوبه خود در جوامعی که از نظر صنعتی پیش‌رفته‌اند بر شکل مصرف و نظام ارزش‌ها اثر میگذارد بطوری که امروز «تمدن فراغت» یک نوع زندگی و طرز تفکر را مشخص میکند. از جمله مسائلی که در این مرحله از تحول جامعه مطرح میشود نیازهای دائمی است که وسائل ارتباط جمعی در توده مردم ایجاد میکند.

نیاز به استفاده از وسائل جدید و دست یافتن به افکار و عقاید تازه بطور روزافزون وجود دارد و چون تا بحال غالباً پاسخگوی این نیازها مؤسسات خصوصی بوده‌اند که در حد خواست‌های عامه مردم به ارضاء نیازهای آنها پرداخته‌اند، بطور کلی کوشش در تعالی فرهنگ همگان صورت نگرفته است.

تمدن فراغت، اخلاق جدیدی با ارزش‌های جدید عرضه میکند که از آن جمله است: ارزشهای فنی و علمی، ارزش‌های اولیه که شامل نوع روابط و علائق عاطفی و فکری با سایرین است، ارزش‌هایی که مشارکت فرد در فعالیت‌های جمعی را تشویق میکند، ارزش‌های بدنی که جستجوی سلامت و زیبایی بیشتر است و بالاخره ارزش‌هایی که در شخصیت انسان از نظر فردی مؤثر است مثل بازی، مطالعه، هنر و غیره...

### وسائل ارتباط جمعی در جوامع صنعتی



با مردمی سروکار دارد که در جریان همه اخبار و وقایع هستند و به یک رشته یا موضوع خاص توجه ندارند بلکه در عین حال به مسائل مختلف علاقمندند و مشکلترین پیامها را براحتی دریافت میکنند. این امر سبب شده است که کیفیت برقراری ارتباط روز بروز پیچیده تر و مدون تر شده و زبان علائم اهمیت بیشتری از سایر زبانها بیابد.

بعقیده ماك لوهان ۸ گروههای انسانی از سه مرحله اصلی میگذرند:

- نخست جوامعی که شفاهی وحسی هستند و افراد آن دائماً از راه گوش با دنیای خارج در تماس هستند. در چنین جوامعی میتوان چشم را بست و با نگاه نکرد ولی اگر کر باشیم از شنیدن ناگزیر هستیم.

- با بوجود آمدن کتاب و صنعت چاپ همه چیز عوض میشود. انسان دوران تمدن کتاب. انسانی است که با دیگران و با جهان کمتر مشارکت میکند زیرا لازمه خواندن با دقت آنستکه از پیرامون خود و دیگران تا حدی غافل باشیم و بدون خود توجه کنیم.

- مرحله سوم که امروز وارد آن میشویم دوران الکترونیک است. بکمک رادیو و تلویزیون محیطی کاملاً تازه پدیدار میشود. خواندن جای خود را به سخن و تصویر میدهد و افراد شروع به گفت و شنود میکنند و جامعه مجدداً بسوی شفاهی بودن بر میگردد.

هر چند که گرایش جامعه بفرهنگ شفاهی است ولی بعلت دخالت عواملی دیگر که مهمترین آنها تصویر است، زبان شفاهی روز بروز کمتر مورد استفاده قرار میگیرد و تمدن بصری بیش از هر زمان دیگر حکمروایی میکند. هنرهای تصویری، سینما، تلویزیون، انواع آگهیهای تبلیقاتی بیش از سایر زبانها نقش واسطه های

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات  
پرتال جامع علوم

را داده آنها را بنحو هماهنگ و متعادل پرورش دهد و پایشان کند تا در میان علائم و پیامهای فراوانی که ایشان را احاطه و پریشان کرده است به انتخاب بپردازند.

ارتباطی را بازی میکند.

بطوریکه انسان امروز در جهانی از علائم زندگی میکند و همه مراحل زندگی او از زندگی در جاده‌هایی که با علائم نورانی و بر حسب ساعات تراکم رفت و آمد تنظیم شده گرفته تا روابط اجتماعی با دیگران و روش‌های تعلیم و تربیت و گذران اوقات فراغت - از نظام ارتباطات جدید شدیداً متأثر است.

اعتراض و نارضایی جوانان در چنین جوامعی نشانه آگاهی تازه‌یی است که نسبت به موقعیت و سرنوشت انسان پیدا شده و همه عصبان‌ها اعتراض بجوامعی است که انسان در آنها تبدیل به نقطه بی‌اثری در شبکه ارتباطات میشود. میل به برقراری ارتباط انسانی، ارتباطی که از راه ماشین انجام نگیرد، بصورت فریادهای بلندی در جوامع صنعتی پیشرفته درآمده که خواسته‌های انسانها را منعکس میکند.

زبان شفاهی در مقابل تمدن سمعی و بصری فنی این جوامع، عقب نشینی کرده و بطور کلی زبان در این جوامع دچار بحران شده است. ارزش‌های فنی و علمی جدید زبان‌های مخصوص بخود یافته‌اند که فقط برای متخصصان هر رشته قابل درک و برای سایرین ناآشنا است و علائم و ابزار تا حدود زیادی جانشین کلمات شده است و از طرف دیگر مردم عادی که نمی‌توانند هم‌زمان با سرعت تغییرات فنی، خود را با آنها هماهنگ کنند با زبان بیگانه میشوند و نتیجه این است که مردم روز بروز کمتر و بدتر حرف می‌زنند. نتیجه بحران زبان شفاهی لزوماً منفی نیست و این آشفتگی نشانه کوششی است که زبان برای همساز کردن خود با سایر تحولات فرهنگی انجام میدهد.

آرمانهای انسانها رسیدن به جامعه‌یی است که همه افراد امکان پرورش استعدادهای خود



علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- |                   |                 |
|-------------------|-----------------|
| 1 - Lévi-strauss. | 2 - Projective. |
| 3 - Normative.    | 4 - Signes.     |
| 5 - Signaux       | 6 - Symboles.   |
| 7 - Homogénéité.  | 8 - Mac Luhan.  |

۱- تجزیه و تحلیل مک لوهان از گرایش جوامع، بیشتر مربوط به جوامع صنعتی است که در آن انسان دروساتل الکترونیکی غرق است و کمتر مربوط سایر جوامع حتی جوامع اروپائی، می‌شود.

آنچه بخصوص در نظریات مک لوهان اهمیت دارد پیش‌بینی او از سرنوشت انسان در چنین جوامعی است. بنظر او انسان آینده يك انسان «سمعی و بصری» است. نکته دیگری که مک لوهان بآن اشاره می‌کند از بین رفتن فرهنگ خاص نخبگان است.